

سالگرد هجده تیر را با شکوه هرچه تمام تر برگزار کنیم!

در هجدهم تیرماه ۱۳۷۸، خیزش پرشکوه جنبش دانشجویی، شهاب گونه برخواست مرکزی مردم روشنی افکند و آشکارا مضمون «نه با شکوه مردم» در دوم خرداد ۱۳۶۷ را که چیزی جز سرنگونی نظام مبتنی بر ولایت فقیه نبوده و نیست، در خیابان از حجره خونین فرزندان دلاور مردم آزادی خواه با صدای بلند اعلام کرد.

فریاد «مرگ بر استبداد» دانشجویان و بی پروایی آنان در دریدن هبای رهبر و آشکار کردن سیمای مستبد و جنایتکارانه ولی فقیه، نه تنها جناح تمامیت خواه را دچار هراس مرگ کرد، بلکه اصلاح طلبان حکومتی را نیز مرعوب نمود. اصلاح طلبان هرچند با اشاره به شیخ انقلاب در تلاشند که اصلاحات فطره چگانی را به خورده تمامیت گرایان بدهند، اما از حضور این شیخ در هیأت جنبش های مستقل مردمی، آن هم در شورش خیابانی، هم چون تمامیت خواهان در هراسند. آن ها اصلاحات را برای نجات نظام ولایت فقیه و قابل دوام کردن آن می خواهند نه به منزله سگویی برای پرش جنبش مردمی بسوی انقلاب و استقرار دموکراسی و حاکمیت خود مردم.

اکنون در شرایطی به آستانه سالگرد ۱۸ تیر نزدیک می شویم که جناح تمامیت خواه، زخم خورده از نتایج انتخابات مجلس ششم، پس از یورش اولیه به مطبوعات و تعطیل آن ها، در دور بعدی تهاجم، جنبش دانشجویی را هدف گرفته است. زیرا این جنبش نه تنها در افشای فاز اول تهاجم اخیر جناح تمامیت خواه و به انصراف واداشتن رفسنجانی از نمایندگی مجلس نقش مهمی داشته است، بلکه همان طور که در ۶ روز تیرماه گذشته ثابت شد، این جنبش آماده ترین لایه جنبش توده ای است که برای دفاع از آزادی ها و خنثی کردن تهاجم جناح تمامیت خواه، می تواند به صحنه بیاید و هم چون کاتالیزتوری لایه های دیگر را نیز به اشکال مختلف فعال سازد و به حرکت مستقل و نافرمانی مدنی فراخواند.

۱۸ تیرماه امسال آزمون تازه و مهمی برای جنبش دانشجویی و مردمی ست. جنبش دانشجویی بدون توجه به فراخوان اصلاح طلبان به سکوت و آرامش، با تکیه بیشتر بر استقلال خود و جلب حمایت مردم، می تواند هشیارانه از تاکتیک هایی بهره گیرد که توده های وسیع تر دانشجویان را جذب کند و به صحنه آورد و امکان جلب حمایت عملی لایه های گسترده تری از مردم را نیز فراهم سازد.

کارگران و زحمت کشان، دانش آموزان، روشن فکران، نویسندگان و هنرمندان آزادی خواه، زنان، خلق های تحت ستم و عموم مردم آزادی خواه ایران نیز برای دفاع از آزادی و تقویت جنبش آزادی خواهانه، با گستراندن چتر حمایتی بر جنبش دانشجویی بویژه در اولین سالگرد قیام دانشجویان و جوانان، به حرکت مستقل خود در راه رهایی از نظام استبداد مذهبی ابعاد تازه ای خواهند بخشید.

ایرانیان آزادی خواه خارج از کشور نیز ضمن توجه به اهمیت بزرگداشت ۱۸ تیر، نقش خطیری در حمایت از این جنبش و رساندن فریاد آزادی خواهانه جوانان کشور به مردم همه جهان بر عهده دارند. در شرایط تعطیلی مطبوعات، دفاع از جنبش دانشجویی، نه تنها در شکست دور بعدی تعرض رژیم نقش مهمی دارد، بلکه در تقویت جنبش مستقل و آزادی خواهانه مردم و باز پس گرفتن سنگر از دست رفته مطبوعات و برپایی تریبون های مستقل نیز نقش بسزایی دارد. پس از هم اکنون تدارک آکسیون های هم زمان، هم آهنگ و سراسری در خارج از کشور را به مناسبت ۱۸ تیر، بطور جدی در دستور کار خود قرار دهیم و پیام شکوهمند ۱۸ تیر را با مشارکت احزاب، سازمان ها، تشکلهای دموکراتیک و عموم ایرانیان آزادی خواه در خارج از کشور، هرچه وسیع تر در سطح جهان منعکس سازیم.

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۳۱ خرداد ۱۳۷۹ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۰

پکن + ۵

حمیلا نیسگیلی

کنفرانس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل با نام پکن + ۵ در روزهای ۵ الی ۹ ژوئن در نیویورک برگزار گردید. این کنفرانس پنج سال پس از کنفرانس جهانی زنان در پکن و جهت برآورد اقدامات انجام شده در راستای مصوبات پکن برای دستیابی به حقوق برابر زنان در تمام کشورها، برگزار شد. وضعیت موجود زنان در عرصه های مختلف، حقوق جنسی، حقوق خانواده، امکانات تحصیلی، امکانات شغلی، درآمد و ... از جمله مسائلی بودند که از سوی کشورهای مختلف و کارشناسان امور، طرح و مورد بحث قرار گرفت. آقای کوفی عنان در سخنان بازگشایی کنفرانس از جمله گفت: «گلوبالیزه شدن بازار کار در بسیاری از کشورها وضعیت نابرابر اشتغال زنان را تقویت کرده و بر اختلاف درآمد زنان و مردان بیش از پیش افزوده است». وی معترف بود: «جهانی شدن بازار کار براساس تکنولوژی پیشرفته صورت می گیرد که تنها برای کسانی که از بیشترین امکان آموزشی برخوردارند قابل حصول است». بر اساس گزارشات ارائه شده از سوی کمیسیون های ذریبط در همین اجلاس سازمان ملل، صد و ده میلیون کودک از حق تحصیل محرومند و دوسوم این جمعیت را دخترچه ها تشکیل می دهند. کوفی عنان تاکید کرد که با برنامه ریزی هایی که پس از کنفرانس پکن صورت گرفته، قدم های مثبتی در راه مقابله با این نابرابری برداشته شده است. از جمله از میزان ختنه زنان و سوزاندن زنان بیوه کاسته شده است. ولی علیرغم آن خشونت علیه زنان بویژه در عرصه خشونت های خانوادگی گسترش یافته است. آدرینه گرمیان، رئیس جامعه بین المللی سلامت زنان، در گزارش خود تاکید کرد که: «تقاضای مردان برای رابطه جنسی به گسترش ایدز و تجارت زنان و دخترچیان می انجامد» و از دولت ها خواست با پذیرش این واقعیت آن را در

قطعنامه خود اعلام کنند. پتربوت، رئیس پروژه های مربوط به ایدز و های.فا تاکید کرد که برای کاهش گسترش ایدز می بایست روابط میان زن مرد تغییر یابد.

از مسائل مورد بحث این کنفرانس مقابله جدی برخی از کشورها با حقوق زنان بود. کشورهای الحزایر، سودان، ایران، لیبی و پاکستان در کنار نمایندگان واتیکان و کشورهای کاتولیک آمریکای میانه چون نیکاراگوئه، هندوراس و هم چنین کوبا (؟) با کشورهای موسوم به ۷۷ مهم ترین بندهای سند تنظیم شده برای کنفرانس را مورد اعتراض قرار دادند. بندهایی که بویژه حق زن بر جسم خود، حق آموزش جنسی دختران را تامین می کرد. قرارگرفتن کشور کوبا در کنار مجموعه ای که با تکیه بر مذهب، خواهان تعدیل مصوبات کنفرانس پکن، در رابطه با حق زن بر بدن خود و تعیین روابط جنسی خود، بودند به حق تعجب برخی از شرکت کنندگان را برانگیخت.

بقیه در صفحه ۲

انصار حزب الله و

اعترافات امیرفرهاد

ابراهیمی

در صفحه ۴

مرگ دل خراش پناه جویان

در صفحه ۴

مراسم بزرگداشت

هوشنگ گلشیری در

پاریس، کوتنبرگ و کلن

در صفحات ۲ و ۴

کنفرانس پکن+۵ علیرغم تلاش و تدارک بسیاری از گروه ها و سازمان های زنان نتوانست دست آورد چندانی داشته باشد. در سند امضا شده از سوی ۱۸۸ کشور شرکت کننده در این جلسه سازمان ملل، که بنام « زنان ۲۰۰۰ - برابری، ترقی و صلح برای قرن ۲۱ » به تصویب رسید، بندهایی که از سوی کلیه کشورها مورد موافقت قرار نگرفته بود، حذف گردید. این در حالیست که ارقام تکان دهنده از سوی گزارشات رسمی سازمان ملل خود می تواند ابعاد واقعی فاجعه ناشی از ستم جنسی را روشنتر کند: ۷۰٪ فقر جهانی بر دوش زنان است؛ در کشورهایی چون کویت زنان کماکان از حق رای محرومند؛ در کشورهایی چون پاکستان شهادت زانی که مورد تجاوز قرار می گیرند سندیت ندارد؛ و این که زنان بطور ویژه با مشکل گسترش آیدز و تجارت سکس روبرویند. بنا بر گزارش یونسف سالانه یک میلیون نفر از دختران در کشورهای آسیای جنوب شرقی مورد تجاوز مردان قرار می گیرند. بنا بر ارزیابی یونسف تجاوز علیه دختران و زنان گسترده ترین شکل نقض حقوق بشر در جهان است. گزارش مزبور تاکید می کند که زنان بیش از همه در خانه مورد تهدید قرار دارند. آن ها توسط مردان خود مورد بدرفتاری و تجاوز قرار می گیرند و یا کشته می شوند. بیش از ۶۰٪ زنان در کشورهای آسیای جنوب شرقی اقرار کرده اند که توسط مردان شان کتک می خورند. در این برآورد ۶۰ میلیون دختر بچگانی که قربانی تجاوز و یا بدرفتاری قرار دارند در نظر گرفته نشده است. سالانه یک میلیون دختر از بین می روند، زیرا مونث بدنیا آمده اند. به دختران به نسبت برادران شان مقدار کمتری غذا رسانده می شود و بندرت اجازه تحصیل پیدا می کنند و یا سریع تر به کار گمارده می شوند. بخش بزرگی از سوی خانواده به تن فروشی اجباری کشانده می شوند. تنها در هندوستان بیش از یک میلیون و نیم دختران کم سن و سال به تن فروشی اجباری اشتغال دارند. در کشور مزبور سالانه بیش از ۵۰۰۰ زن بعلت عدم توانایی تهیه جهیزه کشته می شوند.

یونسف در گزارش خود اذعان می کند که بسیاری از این جنایات هنوز در پرده قرار دارند و نمی توان آمار دقیقی از آن ها ارائه داد. روشن است در بسیاری از کشورها چون ایران از جمع آوری هرگونه آمار و ارقام در این رابطه جلوگیری می شود. طرح ستم جنسی موجود در خانواده ها در سطح جامعه، بعلت شرم قربانی و یا سنت ها هنوز تابوست. نویسنده گزارش یونسف، خانم روت فینی، تاکید می کند: « برای میلیون ها زن، خانه خطرناک ترین محل است. ما باید این سکوت مرگبار را بشکنیم. » لازم به یادآوری است که در سطح بین المللی تنها ۴۴ کشور قوانینی برای مقابله با خشونت در خانواده به تصویب رسانده اند. هرچند این قوانین بدلائل متعدد نمی توانند کارایی چندانی داشته باشند ولی به رسمیت شناختن « آنچه خصوصی است، سیاسی است » خود وجدان جامعه را برای مقابله با آنچه سیستم مردسالار در تنیدگی خود با سیستم سرمایه داری آفریده است، هشیار می کند.

به شکل ها، انجمن ها، سازمان ها، احزاب و شخصیت های آزادی خواه!

بدنبال آغاز موج جدید سرکوب جمهوری اسلامی که با تعطیلی روزنامه ها آغاز شد، در دوم ماه مه ۲۰۰۰، جمعی از ایرانیان با خواست های ۱- آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی و آزادی دستگیر شده گان اخیر؛ ۲- آزادی مطبوعات و لغو توقیف از نشریات؛ ۳- آزادی بی قید و شرط بیان (اعم از کتبی و شفاهی در ایران) به تحصن نشستند که تا ۲۸ ماه مه ادامه داشت. در ۲۷ ماه مه، پس از برگزاری یک تظاهرات، جهت ادامه مبارزه به شکل های دیگر، « کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران »، با تکیه بر بیانیه جهانی حقوق بشر بوجود آمد.

« کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران »، طی نامه مشروحو از نمایندگان پارلمان سوئد، رسانه های همگانی، بنیادهای مدافع حقوق بشر، وزارت امور خارجه سوئد و ... تقاضا نمود که به مناسبت سالگرد خیزش حق طلبانه دانشجویان ایران در تیرماه ۷۸، علاوه بر اعتراض به تداوم سرکوب در ایران، از دانشجویان آزادی خواه ایران که هم اکنون در نوک پیکان سرکوب قرار گرفته اند، نیز حمایت کنند.

« کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران » اکنون از شما تقاضا دارد که در دفاع از صف مستقل مردم در ایران و در دفاع از جنبش دانشجویان و جوانان ایران، در هماهنگی با یک دیگر هرگونه اقدامی که صلاح دانسته می شود (نظیر تظاهرات، شب بزرگداشت ۱۸ تیرماه، و...) در دستور کار قرار گیرد.

ما در استکهلم، دست اندرکار تدارک تظاهرات و شب بزرگداشت و برگزاری نمایشگاه عکس در روز شنبه ۸ ژوئیه ۲۰۰۰، ۱۸ تیرماه ۷۹ هستیم. تجربه به ما آموخته است که هم زمانی تحركات آزادی خواهانه و عدالت جویانه، علاوه بر تأثیر مثبت بر روحیه مبارزان در داخل کشور، در انفراد و فلج کردن ماشین سرکوب در ایران نیز مؤثر بوده است. بیائید تا پژواک فریادهای تظم خواهی جوانان ایران، در سراسر جهان باشیم.

تلفن و فاکس برای تماس با ما:

در طول هفته 0046-8-828673

و در بعدازظهر یکشنبه ها تلفن 0046-8-828673

و پست الکترونیکی:

cop_@hotmail.com

سخن گوی « کمیته دفاع از حقوق

مراسم بزرگداشت

هوشنگ گلشیری در کلن

از سوی کانون نویسندگان ایران در تبعید مراسمی برای بزرگداشت هوشنگ گلشیری در روز یکشنبه ۱۸ ژوئن برگزار گردید. مهدی استعدادی شاد، فریدون تنکابنی، عباس میلانی، بهنام باوندپور و اسد سیف به ترتیب سخنرانان این جلسه بودند.

عباس معروفی، گرداننده جلسه در لابلای سخنرانی ها گوشه هایی از خاطرات خود با هوشنگ گلشیری را نقل کرد. عباس میلانی ضمن مروری به آثار بجا مانده از گلشیری دید نقادانه گلشیری به مناسبت اجتماعی رایج را ارج گذاشت و از گلشیری بعنوان مدافع بزرگ جوهر جامعه مدنی، به معنای وارد کردن مردم در جوهر سیاست و شرکت در ساختن سرنوشت خویش نام برد. میلانی، هوشنگ گلشیری را مصداق جامعه مدنی در عرصه ادبیات نامید که خواننده خود را تربیت کرده و در کار مشارکت می دهد. عباس میلانی در این سخنرانی اعلام کرد که حدود ۱۱ سال پیش در آمریکا داستانی بصورت بسته های پستی جداگانه از ایران دریافت کرده است که در میان یکی از این بسته ها نامه ای بخط گلشیری بود که از او تقاضا کرده بود این داستان را در خارج از کشور با هر نامی که می خواهد به چاپ برساند. عباس میلانی این داستان را به انگلیسی برگردانده و به نام منوچهری به چاپ می رساند. « شهر سیاه پوشان » سرگذشت شاعری است که علیرغم کنار کشیدن و رعایت بسیاری از خطوط ممنوعه دستگیر و روانه زندان می شود و با توانی هم سلول می گردد که با زدن تیر خلاص به هم سنگران سابق در صده نجات جان بود. توای با دیدن جسد محبوب خود در میان تیرخوردگان در هم می شکنند و داستان با پرداخت زیبای گلشیری، به یکی از فاجعه بارترین پدیده های زائیده جمهوری اسلامی می پردازد.

درهم تبیدن شاعرانه هفت پیکر نظامی از زبان راوی شاعر در گوشه های کوتاهی از داستان که از سوی عباس میلانی خوانده شد در عین نشان دادن تبحر گلشیری در پردازش سوز، داغ ننگ پدیده توای در این حکومت را بیش از پیش جاودانه کرد. اسد سیف ضمن بررسی جامع و همه جانبه ای از آثار هوشنگ گلشیری فتح نامه مغان را محور قرار داد و گلشیری را بعنوان نویسنده ماندگار ادبیات ایران ستود.

در این جلسه اعلام شد که سیروس ملکوتیان، آهنگساز، آهنگ هایی را با صدای گیرای افسانه صادقی برای هوشنگ گلشیری و شریک زندگیش فرزانه طاهری تنظیم کرده که دیسک تهیه شده آن را به فرزانه طاهری تقدیم کرده اند. این برنامه با آکوردژون یک نوازنده آلمانی همراهی می شد و در طی جلسه پیام فرزانه طاهری که بر روی نوار ضبط شده بود پخش گردید.

امیرفرشاد ابراهیمی

اخیراً یکی از رهبران «انصارحزب‌الله» بنام امیرفرشاد ابراهیمی در یک اعتراف مستند، پرده از شبکه مافیایی این جریان و وابستگی‌های آن به دستگاه ولایت، خاندان رفسنجانی و جمعیت مؤتلفه اسلامی برداشته است. او در این نوار ویدئویی که در ایران دست به دست می‌گردد، توضیح داده است که چگونه از طریق الله‌کرم دستورات مقامات بالا به واحد تحت فرمان او و دیگر واحدها ابلاغ می‌شده است. او در این نوار توضیح داده است که چگونه آن‌ها مورد حمایت رهبر رژیم، رفسنجانی و عسگراولادی قرار داشته و توسط مصباح‌زیدی، جنتی، مهدوی کنی، موحدی کرمانی و محمدزیدی توجیه ایدئولوژیک می‌شده‌اند. و چگونه تحت حمایت نظامی هدایت‌الله لطفیان فرمانده نیروی انتظامی و دیگر فرماندهان قرار داشته و در جریان حمله به کوی دانشگاه توسط این نهادها مسلح شده‌اند. او توضیح می‌دهد که چگونه در جریان سوءقصد به جان عبدالله نوری در مشهد و تهران شرکت داشته و گاه نیز در هیئت شاکی خصوصی علیه نشریات، شکایت‌نامه‌های تنظیم شده توسط سران مافیایی قدرت را به دادگاه می‌برده است. و بسیاری از دیگر نمونه‌ها از چگونگی کار این شبکه‌ها، که سال پیش نیز پروازی از رهبران فکری این جریان، آن‌ها را افشاء کرده بود.

بدنبال انعکاس گسترده‌ی این اعترافات، نهادها و ارگان‌های تمامیت‌خواهان برای نجات خود به دست و پا افتاده‌اند. روزنامه «جمهوری اسلامی» در ۱۷ خرداد ۹۵ به نقل از علی‌زاده رئیس دادگستری تهران، از دستگیری دو تن به نام‌های فرشاد ابراهیمی و کیانوش مظفری خبر داده و از قول وی نوشته است: «از سوی این دو نفر ادعاهایی بر ضد برخی مسئولان نظام مطرح شده است که نیاز به تحقیق بیشتری دارد». اما ادعاهایی که امیرفرشاد ابراهیمی در رابطه با «مسئولان نظام» مطرح کرده، آن چنان مستند و دقیق است که حتی رئیس دادگستری تهران نیز جرئت تکذیب آن‌ها را ندارد.

روزنامه‌های «کیهان»، «رسالت» و «جمهوری اسلامی» که در مقابل ادعاهایی جزئی و کم‌اهمیت‌تر که برخی روزنامه‌نگاران از قبیل اکبرکنجی و عمادالدین باقی مطرح کرده بودند، جنجال می‌آفریدند و آن اطلاعاتِ قطره چکانی از شبکه‌ی مافیایی را تکذیب می‌کردند، اینک در رابطه با اعترافات ویدئویی یکی از مهره‌های باندهای چماقدار مهر سکوت بر لب زده و خفه خون گرفته‌اند. «کیهان» در این رابطه یک روز از «نوارسازان» جعلی حرف می‌زند و این نوار ویدئویی را با نوار تهدید سعیدحجاریان از یک جنس می‌داند و طبق معمول پای اصلاح‌طلبان و بطور مشخص شورای شهر تهران را به میان می‌کشد و روز دیگر -دوشنبه ۲۰ خرداد ۹۵- در ستون «اخبار ویژه» خانم شیرین عبادی وکیل دادگستری را «نوارساز» و «طراح» اعترافات معرفی می‌کند و می‌نویسد: «یکی از نوارسازان و طراحان اعترافات ساختگی امیرفرشاد ابراهیمی، وکیل دو تن از متهمه‌هایی است که به خاطر شرکت در کنفرانس ضدانقلابی برلین به دادگاه احضار و در بازداشت به سر می‌بردند. خانم ش.ع. (شیرین عبادی) با هم‌کاری برخی عناصر تجدیدنظرطلب سعی کردند از طریق فرد یاد شده (ابراهیمی) و بازگویی برخی القائات از زبان وی، اتهاماتی را علیه شخصیت‌ها و نهادهای اصول‌گرا وارد کنند. این اتهامات عمدتاً همان جنجال‌هایی بود که قبلاً بی‌پایگی‌شان با گذشت زمان به اثبات رسیده بود».

روزنامه «بهار» در شماره یک‌شنبه ۲۹ خرداد ۹۵، در صفحه ۲ «ستون منتقدان» (که نظرات و موضع‌گیری جناح تمامیت‌خواه و راست افراطی را انعکاس می‌دهد) می‌نویسد: «(یالتارات) با اشاره به پخش نوار و اظهارات یک عضو جدا شده از گروه «انصارحزب‌الله» در برخی محافل، خطاب به رئیس جمهوری هشدار می‌دهد که عدم «برخورد» وی با این قبیل «پروژه‌های نوارسازی» ممکن است «بحران‌هایی غیرقابل مهار اجتماعی و سیاسی» را در برداشته باشد. «یالتارات»، هم چنین عمل کرد دولت خاتمی را مایه ایجاد «یأس» در «آگاهان و دل‌سوزان مملکت» معرفی کرده یادآور می‌شود که در کشورهای چون لبنان «جنگ مطبوعاتی» نهایتاً به راه افتادن «جنگ داخلی» منجر شده است».

در اعترافات ویدئویی امیرفرشاد ابراهیمی چیزهایی رو شده است که جناح تمامیت‌خواه را به وحشت انداخته است. شاخه‌ی مطبوعاتی فاشیست‌ها زمین و زمان را به هم می‌دوزند تا بلکه بتوانند ضربه کاری اعترافات این عضو جدا شده از «انصارحزب‌الله» را خنثی کنند و «شخصیت‌ها» و «نهادها» و یا به گفته رئیس دادگستری تهران «مسئولان نظام» را از زیر ضرب خارج سازند. «یالتارات» با تهدید و ارباب می‌خواهد ادعای این رهبر «انصارحزب‌الله» علیه «مسئولان نظام»، نادیده و ناشنیده گرفته شود.

واقعیت این است که مردم ایران، بدون این اعترافات نیز می‌دانستند که «انصارحزب‌الله» به کجاها وصل است و از چه کسانی دستور می‌گیرد. و یا فتوای قتل‌ها و تروهای مخالفین رژیم و منتقدین جناح تمامیت‌خواه ذوب شده در ولایت را کدام آیت‌الله‌ها صادر کرده‌اند. از این رو این اعترافات تنها تأییدی بر اطلاعات پیشین بوده است و از این زاویه نباید باعث ترس و وحشت تمامیت‌خواهان شده باشد. اما ترس و وحشت تمامیت‌خواهان اساساً از این جا ناشی می‌شود که می‌بینند موریانه به جان «انصارحزب‌الله» و گروه‌های ترور و وحشت افتاده و ریزش «انصارحزب‌الله» و دیگر گروه‌های چماق و ترور نیز شروع شده است. این ریزش و فروپاشی مبارک باد!

مرگ دل‌خراش پناه‌جویان

صبح روز دوشنبه ۳۰ تیرماه ۷۹-۱۹ ژوئن ۲۰۰۰، در کامیونی بارکش در بندر «دور»، بزرگترین بندر انگلیس اجساد ۵۴ مرد و ۴ زن پناهنده یافت شد. گفته می‌شود قربانیان اتباع کشور چین بوده و کامیون نیز یخچال حمل می‌کرده است. تنها دو نفر از سرنشینان این کامیون بارکش زنده مانده‌اند که در حال حاضر در بیمارستان بستری هستند. راننده هلندی کامیون دستگیر شده است. احتمال داده شده است که پناهندگان یا از سرما یخ‌زده و یا خفه شده باشند. بندر «دور» در انگلیس که بیشترین ارتباط دریایی را با فرانسه و بلژیک دارد، در عین حال یکی از مراکز مورد توجه قاچاق‌چیان برای قاچاق پناهنده از اروپای شرقی و دیگر کشورها به شمار می‌رود. در اوایل سال جاری دولت بریتانیا جریمه سنگینی برای کسانی که به قاچاق پناهنده مبادرت کنند، در نظر گرفت. از طرف دیگر گروه‌های طرفدار حقوق بشر دولت انگلیس را متهم می‌کنند که به خاطر کسب رای بیشتر، رفتار سخت و غیرانسانی با مهاجرین در پیش گرفته است.

تونی بلر در یک مصاحبه تلویزیونی از این تراژدی که بزرگترین تراژدی مهاجرت در انگلیس توصیف شده است، ابراز تأسف کرد. هم‌راه او سران دیگر کشورهای اروپایی که در نشست سران اتحادیه‌ی اروپا گردهم آمده‌اند، تأسف خود را از این حادثه دل‌خراش اعلام کردند. اما هم‌زمان تمامی آن‌ها بر این نکته تأکید کردند که مبارزه با باندهای قاچاق‌چیان باید افزایش یابد و خصلت سراسری و همگانی به خود بگیرد. این سخنان و ابراز تأسف‌های بی‌محتوا در حالی صورت می‌گیرد که کشورهای گوناگون اتحادیه، دیوارهای قلعه اروپا را هر روز بالاتر برده و محکم‌تر می‌کنند. این قوانین آن چنان سخت شده است که پناه‌جویانی همانند ۶۰ پناه‌جویی چینی حاضر شده‌اند با به جان خریدن چنین ریسک بزرگی حاضر شوند در کامیونی بنشینند که در درون کشتی قرار می‌گیرد و هیچ راه فرار نیز برایشان باقی نمی‌ماند. پناه‌جویان بخت برگشته تلاش کرده بودند از سد قوانین سخت کنترل اتحادیه اروپا در مورد ورود غیرقانونی مهاجرین بگذرند که در این راه جان باختند. هرچند ورود مهاجرین به کشورهای عضو این اتحادیه بسیار دشوار و به گفته بسیاری از فعالین امور پناهندگی تقریباً غیرممکن شده است و امکان ورود قانونی به کشورهای عضو اتحادیه و دریافت اقامت به عنوان مهاجر و پناهنده بیش از پیش دشوار شده است، با اینحال مهاجرت غیرقانونی افزایش یافته است.

در شرایطی که شکاف میان کشورهای شمال و جنوب هر روز گسترده‌تر می‌شود، در شرایطی که کشورهای اروپایی برای رونق اقتصادی خود حاضرند با وقاحت تمام از رژیم‌های دیکتاتوری بصورتی همه‌جانبه حمایت کنند، در شرایطی که به دلیل نبود آزادی و فقر اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان سوم، سیل مهاجرت روز به روز گسترش می‌یابد، انتظار جلوگیری از این سیل با گذراندن قوانین شداد و غلاظت توسط دولت‌های اروپایی، انتظار عبثی است. سران این دولت‌ها، هم در گسترش فقر و هم در جلوگیری از رشد روندی آزادی در کشورهای جهان سوم مسئولند. بنابراین، آن‌ها هستند که باید مسئول چنین فجایعی قلمداد شوند. دستگیری چند باند قاچاق‌چی که با اتکا به این شرایط مناسب برای پر کردن جیب‌های خود، از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند، چاره‌ساز نخواهد بود. باید به شکل‌گیری محیط آزاد و آباد و فراهم آمدن شرایط زیست انسانی شرافتمندانه در دیگر کشورها کمک کرد. تنها از این طریق می‌توان جلو سیل مهاجرت را گرفت. اما رشد این روندها با سیاست چپاول‌گرانه‌ی کشورهای امپریالیستی هم خوانی ندارد. از این رو باید منتظر تکرار چنین فجایعی بود.

مراسم گرامی داشت «هوشنگ گلشیری» در گوتنبرگ (سوئد)

بدعوت «کانون فیلم و کتاب گوتنبرگ»، در روز یکشنبه ۱۱ ژوئن ۲۰۰۰ (۲۲ خرداد ۷۹) جلسه گرامی‌داشتی در این شهر برگزار شد. سالن برنامه به‌وجه زیبایی توسط فعالین کانون آرایش یافته‌است. جمع‌آوری انبوهی عکس از دوران کودکی تا سال‌های اخیر که در آرشیو جمع‌آوری شده شصت‌مین سال تولد گلشیری توسط ناصر زراعتی نگهداری می‌شد، با طرح‌هایی از «حمید» هنرمند ورزشی شهر، و آرایش زیبای صحنه‌های این تصاویر در کنار یک‌دیگر، جلوه‌ای خاص به سالن داده بود. در کنار میز خطابه، تصویری طراحی شده از گلشیری در کنار ۶۳ شمع برافروخته و میز فروش کتاب‌های گلشیری و دیگران، هر تازه‌واردی را با خود به اعماق ادبیات داستانی ایران و جهان معاصر می‌برد. برنامه رأس ساعت ۵ بعدازظهر با آندوه نهفته در درون ناصر زراعتی عضو کانون نویسندگان ایران و دوست دیرینه هوشنگ گلشیری که خود از پایه‌گذاران «کانون فیلم و کتاب گوتنبرگ» است، با خوشامد به حاضرین آغاز شد. او شرح برنامه تدارک دیده شده را به‌زبان آورد و از تمام حاضرین تقاضا کرد که اگر یادی، خاطره‌ای، شعری و حرفی در حق گلشیری دارند، میتوانند از تریبون برای ادای آن بهره‌گیرند. شعرخوانی خانم زهرا پناهی، نقطه آغاز برنامه بود. پس آنگاه، فیلمی بمدت ۲۴ دقیقه از زندگی گلشیری به نمایش درآمد. نمایش فیلم با کف‌زدن‌های مرتب حاضرین با اقبال آنان روبرو می‌گردد. در این فاصله فعالین کانون از دو سوی درب ورودی و خروجی سالن با سینی لیوان‌های «شراب ارغوانی» بدون حاضرین می‌روند. نشانی از خلق تسلیت نبود، همه بپا می‌خیزند، از پایانه خروجی سالن، «حمید»، طراح و مجسمه‌ساز، با ردای برافروخته‌اش که برنگ شراب جلوه می‌نمود، صحنه‌ای از «فتح‌نامه مغان» گلشیری را نقالی کرد. همه حاضرین، زنان و مردان، پیر و جوان، در جای جای سالن، که بپا خاسته بودند تا عین کلام گلشیری را بشنوند، با بلند کردن گیل‌های خود «قطره‌های آن تلخ‌وش ام‌الخبائث» را به‌یاد گلشیری‌ها مکیدند و یک دقیقه سکوت به احترام یاد و نام او منتظر ماندند. در این قسمت فیلم دیگری بنمایش درآمد. ۸ دقیقه از یک فیلم ۳۰ دقیقه‌ای بنام «یاد آن سال‌ها» از «نیما سروستانی». «عبداله پارسا»، مهمان‌دار گلشیری و هم‌راهان او در دسامبر ۸۹ در این شهر (گوتنبرگ) به نقل خاطراتی از آشنایی با گلشیری در یکی از مدارس ایران پرداخت و او را نویسنده‌ی توانا و شجاع در دو رژیم نامید.

«امیر جواهری» از جمله سخنرانان این مراسم بود. او که نوشته خود را به «فرزانه طاهری» همسر گلشیری پیش‌کش کرده بود به افشای سردمداران رژیم در بیان تسلیت در باره مسرگ این نویسنده‌ی توانا

پرداخت و گفت: «هیچ حضور و ردپای کارگزاران نظام جمهوری اسلامی حتی در حق مرگ جان آدمی، بی‌سبب و بی‌دلیل نیست. باید این حضور نامیمون را خشکاند و بدان در حق بی‌مرگی جان انسانی چون گلشیری پوزبند زد تا سایه سار آرمیدن او در کنار محمدمختاری و محمدجعفرپوینده، پیرانه دفاع از حیثیت و حرمت ادبیات و فرهنگ معاصر ایران و جهان را با خود همراه کند». آن‌گاه ضمن تجلیل از گلشیری، به توضیح شرایط کنونی ایران پرداخت و گفت: «با بازتابیدن جنایات رژیم بد نیست که از این همه شقاوت و بیرحمی مخالفین آزادی و مسخ‌کنندگان پیرایه‌های سرشار زندگی از کار، آموزگاری، مربی‌گری، سخنرانی، کاردانی حرفه‌ای آدمیانی چون: ساعدی‌ها، میرعلائی‌ها، زال‌زاده‌ها، غفار حسینی‌ها، محمد مختاری‌ها، شریف‌ها، حسین اقدامی‌ها، سلطانیپورها و گلشیری‌ها که جان بر زمین گذاشتند یاد کنیم تا جان عزیزانی چون «سیمین بهبهانی»، «احمد شاملو» و «احمد محمود» که در بستر بیماری‌اند به آسانی که به جرم قلم‌زنی و زبان‌آوری دفاع از آزادی اندیشه زنانی چون «مهرانگیز کار» (حقوق‌دان) و «شهلا لاهیجی» (مدیر انتشارات روشنگران) و دانشجویان مبارزی چون «اردشیر زارع»، «محمود شوشتری»، «کاشی‌لو»، «صحتی»، و هزاران زندانی دربند، یاد کنیم و نشان بگیریم و هیچکدام آنان را به نسیمان زنگاره‌گی زمان نسپاریم». سخنان امیر جواهری با استقبال گرم حاضرین روبرو شد.

خانم «فرخنده» از هم‌کاران کانون فیلم و کتاب گوتنبرگ، در معرفی داستان «خانه روشن» گلشیری گفتگویی با حاضرین داشت. خانم «سوسن کلالی»، شعر نیما «میترا و مهتاب» را با آواز و همراهی آهنگساز، «منصور تهرانی»، به شکل کورال اجرا کرد. «امیر مهاجر»، قطعه شعری از سروده‌های خود گلشیری را ادا کرد. «غلام‌احمدی» از هم‌کاران کانون از خانم سیمین بهبهانی شعری را که به گلشیری تقدیم شده بود، قرائت کرد. «سعید» از کتاب‌فروشان تهران، خاطره‌ای از سال‌های هول و هراس بعد از ۶۰ و دیدار خود با گلشیری را در کتابفروشی پایپروس، برای حاضرین تعریف کرد. «سهراب رحیمی» با نقل خاطره‌ای از دیدار اولش در سال ۸۹ در گوتنبرگ با گلشیری و درس‌آموزی از او، شعری از سروده‌های وی را برای حاضرین خواند. «منصور تهرانی» در این بخش، ترانه «یار دبستانی» خود را که جنبش اعتراضی دانشجویان در سال گذشته به سرود همگانی تبدیل کردند، با صدای خود برای حاضرین ادا نمود.

پایان‌بخش برنامه، حضور دگربرایه «ناصر زراعتی»، تشکر از حاضرین و اعلام میزبان کمک‌های مالی جمع‌آوری شده بود. مراسم باشکوه یاد گلشیری با تنوع سخنگویان و استقبال بیش از ۱۵۰ نفر، یکی از به یاد ماندنی‌ترین برنامه‌های شهر گوتنبرگ در یادواره‌گی نویسنده‌ای بزرگ و داستان‌سرای توانا چون هوشنگ گلشیری بود.

مراسم بزرگداشت هوشنگ گلشیری در پاریس

در ابتدای مراسم حسن حسام دبیر کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، ضمن تشکر از حاضران و با اعلام درگذشت محمود احمادی نویسنده داستان کودکان و قرائت اطلاعیه کانون نویسندگان ایران در باره درگذشت شاعر بزرگ معاصر نصرت رحمانی، به احترام همه‌ی مبارزان آزادی و مدافعان آزادی اندیشه و قلم و بیان از جمعیت خواست یک دقیقه سکوت کنند. سپس حاضران را فراخواند در سازمان‌دادن کارزار برای آزادی خانم‌ها مهرانگیزکار و شهلا لاهیجی که به جرم زن بودن و لاتییک بودن در ایران، حتی در مطبوعات معروف به اصلاح‌طلبان از آن‌ها یادی نمی‌شود و با سخنان کوتاهی در مورد نقش تعیین‌کننده‌ی هوشنگ گلشیری در برپایی کانون و تحمیل یک تشکل روشن‌فکری لاتییک بر رژیم ایدئولوژیک مذهبی، از او به عنوان نویسنده بزرگی یاد کرد که داستان‌نویسی معاصر ایران را گام‌هایی به پیش برده و به آن تحول بخشیده است. پس از پخش پیام خانم فرزانه طاهری همسر ارجمند هوشنگ گلشیری از ایران، کاظم کردوانی دبیر کانون نویسندگان ایران و هم‌دوش گلشیری در برپایی دوره‌ی جدید کانون از نقش گلشیری و تلاش پیگیر و جسورانه‌ی او در برپایی کانون سخن گفت. سخن‌رانی عاطفی و مستند کردوانی که طی آن چندبار با بغضی در گلو بیان شد، حاضرین را بشدت تحت تأثیر قرار داد. سپس نسیم خاکسار در مورد آثار گلشیری سخن گفت و یادآور شد که قصه‌های گلشیری وجهی کنایی دارند و او با استفاده از بدل‌سازی و شبیه‌سازی بار سیاسی آثارش را از طریق این سمبل‌ها و کنایه‌ها بیان می‌کند. خاکسار با آوردن نمونه‌هایی از جمله داستان «دست‌های تاریک، دست‌های روشن» موارد مطرح شده در بحث خود را توضیح داد. پس از آن خانم بتول عزیزپور با گزارشی از کارنامه ادبی هوشنگ گلشیری زبان و ساختار آثار او را مورد بررسی قرار داد.

در بخش دوم برنامه، ابتدا محسن یلفانی زیر عنوان در جستجوی زیبایی و آزادی از نقش توأمان گلشیری در خلق آثاری که زیبایی و آزادی‌خواهی‌ها مایه آن است، اظهار داشت که او بر استقلال خلاقانه فردیت هنرمند تأکید داشت و هنر را مستقل از دولت‌ها و ایدئولوژی‌ها، متکی به درک و فردیت خلاقانه خود هنرمند می‌دانست. سپس آقایان محمدمسحر و احمدشیرازی تکه‌هایی از داستان «فتح‌نامه مغان» را به شیوه بازخوانی اجرا کردند که بشدت مورد استقبال حاضران قرار گرفت و سرانجام ناصرپاکدامن با قرائت جمع‌بند «ده شب شعر انستیتو گوته» که در آستانه انقلاب که بوسیله گلشیری تهیه شده بود، از حاضران خواست به احترام زندگی گلشیری و نیز اهل قلم و مقتولین قتل‌های زنجیره‌ای به پاخیزند و به احترام‌شان یک دقیقه کف بزنند. در فواصل برنامه پیام‌هایی از جمله پیام ناشر فرانسوی آثار گلشیری و انجمن قلم آلمان توسط حسین دولت‌آبادی قرائت گردید.